

چرا؟

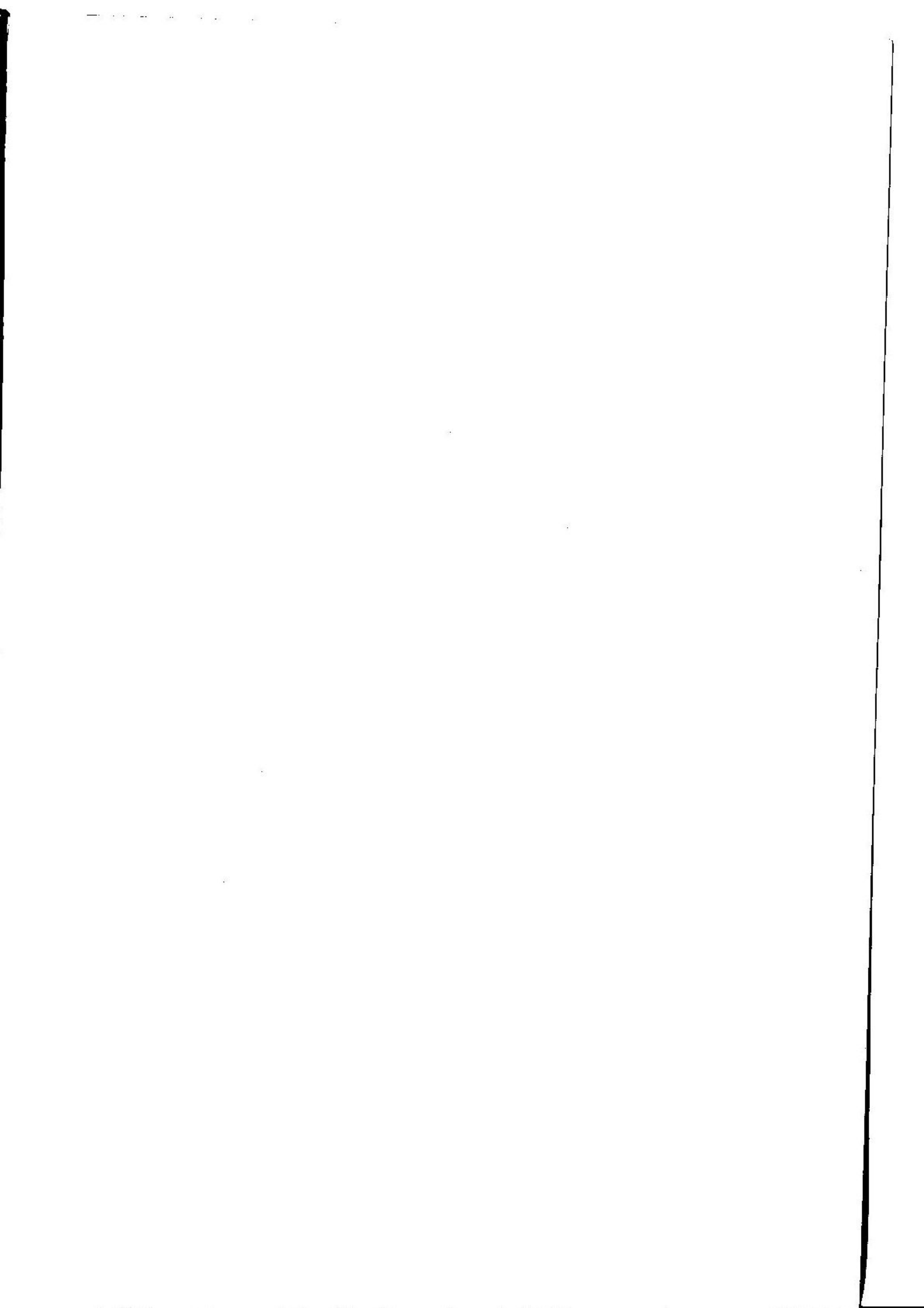
کمیته تحقیق ملی

چرا؟

دادگاہ ملی

آبان ۱۳۵۷

تحلیل و طرح از : صارم الدین صادق وزیر



حکومت قانونی دکتر مصدق در اثر کودتای ۲۸ مرداد ساقط گردید، این کودتا توطئه ای امپریالیستی - ارتجاعی بود که بتصدیق دست اندرکاران "سیا" در خارج طرح ریزی و بدست ایادی ایرانی نمای امپریالیسم اجرا گردید. هدف اساسی توطئه در هم شکستن نهضت ملی و مترقی مردم ایران بود، نهضتی که در مراحل اوج آن تصویب قانون ملی شدن نفت و روی کار آمدن مجدد حکومت دکتر مصدق بعنوان دو دست آورد عمده آن شایان تأکید است. آشکار است که در هم شکستن نهضت ملی و مترقی بالملازمه پایمال شدن پیروزیهای بدست آمده در زمینه ملی شدن نفت و خلع ید از شرکت غاصب نفت انگلیس و ایران را نیز به همراه داشت. نیروهای امپریالیسم و ارتجاع که در توطئه کودتا دست داشتند پس از بدست آوردن پیروزی به یغما و تاراج دست زدند، امپریالیسم مواضع از دست رفته را بار دیگر بدست آورد. ارتجاع نیز دست در دست امپریالیسم بیورش همه جانبه متقابلی را علیه نیروهای مترقی سازمان داد، کنسرسیوم جایگزین شرکت نفت انگلیس و ایران گردید در غارت مجدد نفت ایران کمپانیهای امپریالیستی امریکائی - انگلیسی - هلندی و حتی فرانسوی سهیم شدند و طبیعی بود که سهم بیشتر به کمپانیهای امریکائی تعلق میگرفت. سلطه امپریالیسم امریکا روز بروز گسترده گردید، صرفنظر از گسترش تسلط بر ارتش و نیروهای انتظامی در کلیه زمینههای اقتصادی و اجتماعی نیز طرحهای امریکائی بعنوان فرامین لازم الاجرای خدایان جدید، راهنمای دولتمردانی گردید که عموماً دست پرورده های سیا و سازمانهای جاسوس دیگر غرب بودند و مستشاران و کارشناسان امریکائی بعنوان مدیران حقیقی، مواضع کلیدی را اشغال کردند. کودتاچیان ایران پایگاه اجتماعی عمده نداشتند، فئودالهای محض، روحانیون مرتجع امثال بهبهانی و غیره - و یا باصطلاح رایج امروز اخوندهای درباری کمپرادورها و طفیلی های وابسته

باین اقشار، تکیه گاه داخلی کودتاجیان بودند. میدانداران و اوباش وابسته بروحانیون مرتجع، افسران و کارمندان فاسد اخراجی از ارتش و دستگاههای دولتی، خودفروشان و ولگردان و طفیلی های فاسد، باصطلاح گردانهای رزمنده کودتاجیان را در روز ۲۸ مرداد تشکیل میدادند. نیروهای مسلح در طرح کودتا قسمتی بطور فعال و قسمتهای دیگر بطور غیر فعال میبایستی نقش اساسی را در اجرای آن عهده دار شوند ولی چنانچه میدانیم در مراحل اولیه اجرائی کودتا نیازی بایفای نقش قاطع و فعال از طرف بخش عمده نیروهای مسلح بخصوص نظامیان پیدا نشد. این توطئه امپریالیستی - ارتجاعی بعدها عنوان پرمطراق "قیام ملی ۲۸ مرداد" را بر خود نهاد و کار بدستان آن بعنوان "قهرمانان قیام" سینه سپر کردند و سهم شایسته خود را از غنائم مطالبه میکردند. نقطه شروع غارتگریهای بی حساب کارگزاران امپریالیسم در ایران همین جا است. مگر نه اینست که در طول تاریخ همواره غارتگران نام فاتحان بزرگ دار و ندار ملل و توده های مغلوب را بتاراج میبردند، اینان نیز غالب شده بودند و غارت هستی ملت مغلوب را "حق" خود میدانستند از این رو توطئه کودتای ۲۸ مرداد سرآغاز یک سلسله توطئه های دیگر علیه حاکمیت ملت ایران در تمام زمینه ها گردید. غارت منابع ثروت اعم از نفت و درآمدهای حاصل از آن و سایر منابع ثروت و درآمد ملی هدف کلی این توطئه های پیاپی بود. ایجاد محیط وحشت و ترور و خفقان سیاه بطوری که هر گونه فریاد اعتراض را در سینه ها خفه کند و هر گونه جنبش مخالف و معترض را در نطفه نابود کند، شرط لازم برای تحقق همه توطئه های بود که بصورتهای گوناگون و هر روز بشکلی و در قالبی برای دستبرد بحقوق و منافع و حاکمیت ملت ایران و آحاد و افراد ایرانی طرح ریزی میگردد و بمورد اجرا گذاشته میشد. وجود دستگاه اداری یکدست و مطیع و گوش بفرمان

و دستگاه قضائی وابسته و قوه مقننه دست آموز و طوطی صفت از لوازم کار بود .
یورش همه جانبه بتمام مواضع آغاز گردید . انتخابات فرمایشی که پایمال کردن
حقوق دموکراتیک مردم دایر بر انتخاب نمایندگان واقعی شرط اولیه آن بود ،
و سپس تشکیل مجالس و تصویب قوانین بدون هر گونه بحث و شور و بصورت
دسته جمعی بطوری که سوزه روزنامه های فکاهی خود رژیم نیز گردید از مختصات
این دوران است . البته دست اندر کاران رژیم ادعا میکردند که کار اساسی و
بحث و شور قبلاً در مورد این قوانین انجام گرفته است این ادعاها فقط از این
نقطه نظر میتوانست درست باشد که این قوانین نسخه های بظاهر ایرانی از
طرحهایی بود که موعسات تجارتي فروش ایده و طرحهای مطالعاتی امپریالیستی
در بازار عرضه میکنند و از این بابت میلیونها و میلیاردها دلار بچیب میریزند .
این موعسات غالباً عنوان تحقیقی و پژوهشی و مطالعاتی بر خود نهاده اند و
مقامات بالای حکومت و وابستگان آنان افتخار عضویت در این موعسات را
همراه با سایر عناوین خود یدک میکشند و البته از این بابت سالیانه مبالغ
هنگفتی از خزانه ملت باین موعسات میپردازند ، از آنجا که این قبیل موعسات
یکی دو تا نیستند و به اصطلاح کارشناسان و محققان آنها مسائل را از دیدهای
مختلف ولی در مجموع از دیدگاه امپریالیستی می بینند باقتضای اینکه مدیران
و مسئولان ایرانی وابسته بکدامیک از این موعسات هستند و یا مشاورین امریکائی
از کدامیک از این موعسات استخدام شده اند طرحها رنگهای متفاوت بخود
میگرفت . این خود بیان کننده این حقیقت است که چگونه با تعویض یک وزیر ،
طرح مربوط به یک مسئله مشخص اقتصادی یا اجتماعی یا عمرانی متوقف میگرددید
و طرحی با آب و رنگ دیگر جایگزین آن میگرددید بیات بیاورید که در دولت
هویدا چند بار وزارتخانه های مختلف در همدیگر ادغام شدند و سپس جدا

شدند و باز در مجموع به‌مدیگر پیوستند و اسم عوض کردند ؟

آنچه در این میان از اهمیت ویژه برخوردار است اینست که این تغییر اسم و تغییر سازمان و بهم پیوستن و از هم گسیختن ها بقیامت میلیاردها دلار غارت بیت المال ملت تمام شد و به‌مراه آن انحطاط و تباهی اخلاقی در تمام زمینه ها برای ملت ما بارمغان آورده شد .

تمام صحنه ساریهای مربوط به انقلاب شاه و ملت و اصلاحات ارضی و سایر باصطلاح اصول انقلابی ملهم از همان دستوراتی بوده که مؤسسات امیریالیستی بدست مشاوران خود بدستگاه حکومتی بعد از کودتا دیکته میکردند. هم چنین است حزب سازی و حزب بازی بصورتهای گوناگون که از تشکیل کانون مدیریت بدست حسنعلی منصور به رهبری راکول امریکائی شروع شد و بایجاد باصطلاح حزب فراگیر "رستاخیز" ختم گردید . ایجاد سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) نقطه عطفی در اجرای سیاست کلی امیریالیسم و ارتجاع بعد از کودتا است. این سازمان در عین حال که نقش قاطع آن سرکوبی نیروهای مخالف و هرگونه اپوزیسیون بوده و هست بتدریج نقش سازمانده واقعی در مجموعه دستگاه حکومتی پس از کودتا را بدست آورد بطوری که کلیه دستگاهها اعم از مجلسین و قوه قضائیه و وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته بدولت و غیره همه و همه زیر فرمان آن قرار گرفتند . هیچ وکیل و سناتوری جز با موافقت و تائید ساواک نمیتوانست انتخاب شود. باین معنی که یا میبایستی رسماً عضو ساواک باشد و یا تعهد خدمت و وفاداری بسپارد و هیچ قاضی عدلیه حتی در پائین ترین مراحل و مناصب جز با تصویب ساواک نمیتوانست منصوب و جابجا گردد و هیچ مدیر اداره ای حتی در ولایات کوچک بدون تائید ساواک منصوب نمیگردید. این قاعده هم اکنون نیز کم و بیش اجرا میگردد و رمز تناقضاتی که گاه و بیگاه بین ادعاهای مقامات بالای دولتی

دولت شریف امامی و مقامات اجرائی بچشم میخورد در همین جا نهفته است زیرا دستگاههای دولتی و بلدی و وابستگان بدولت سالیان سال است عادت کرده اند که فرامین واقعی و حقیقی را از زبان مسئولان ساواک بشنوند و هم اکنون نیز چنین میکنند .

ساواک نیز از روی نسخه امریکائی و بدست کارشناسان امریکائی و همدستان اسرائیلی آن پی ریزی گردید کادرهای آن عمده در امریکا تعلیم یافته و پرورده شدند و ارتباط خیلی نزدیک آن با سازمان های اطلاعاتی امریکائی و اسرائیلی چه از نقطه نظر سازمانی و چه از نظر اطلاعاتی و غیره هنوز هم برقرار است . بتدریج که تشکیلات ساواک گسترده تر و کادرهای آن باصلاح آزموده تر شدند مداخله آن از حدود ستادی و سازماندهی تجاوز کرد و کادرهای آن بصورت مجریان مسئول در تمام دستگاههای دولتی و حتی وزارت خارجه و دادگستری (که علی الاصول متصدیان مشاغل حساس این دو دستگاه باید واجد تجربه و صلاحیت خاص باشند) بکار گمارده شدند بطوری که در سنوات و ماههای اخیر پست های متعدد کابینه نیز بکادرهای سازمانی و مسئول ساواک سپرده میشد . انتصاب کادرهای پلیس بمشاغل دیپلماسی و قضائی حتی در حکومت فاشیستی هیتلر نیز بی سابقه است و این خود سیمای واقعی حکومت ایران و صفت ممیزه خاص دستگاه اهریمنی ساواک آن را بهتر و بیشتر بر ملا میسازد . در ایام اخیر که در مجلس و مطبوعات وجود فضای باز سیاسی تبلیغ و پاره ای افشاگریها در کادر محدود و بمنظورهای خاص انجام میشود اینجا و آنجا عنوان میگردد که ساواک دولتی است در داخل دولت ، این تعبیر بکلی نارسا است . واقعیت اینست که ساواک قوه فعاله و اداره کننده واقعی تمام دستگاههای حکومتی در مجموع است اعم از قوه مقننه و مجریه و قضائیه و با توجه باین حقیقت ، دستگاه دولتی فقط

پوسته ایست بر روی قسمتی از دستگاه فعاله ساواک. فعالیتهای فرهنگی و هنری از این قاعده کلی مستثنی نیست و دست اندازی به بخش خصوصی نیز از روی نقشه تهیه شده سالهاست که آغاز شده و بصورتی گسترده کلیه کارخانه ها و شرکتهای بزرگ و مؤسسات اعتباری را نیز در بر گرفته است. سرپای تشکیلات احزاب فرمایشی بمنابه ارگانهای علنی جولانگاه کادرهای ساواک بود و میدانی برای آزمایش و احیاناً پرورش کادرهای آن و اساس فکر ایجاد حزب فراگیر نیز مبتنی بر این پایه بود که چون ستاد و مرکز فرماندهی واحد است معنی ندارد که قسمتی از عوامل اجرائی بصورت دشمن و یا احیاناً رقیب قسمت دیگر عمل کنند و احیاناً کار برسواشی بکشد. ناگفته پیداست که بعد از تشکیل ساواک و گسترش سازمان آن این سازمان و کادرهای آن در تمام توطئه هائی که علیه حقوق و آزادیهای اساسی مردم - علیه سازمان های دموکراتیک و مجامع ملی یا افراد آزادیخواه و ملی و مترقی طرح و بمورد اجرا گذاشته شد نقش فعال بعهدده داشته اند، خواه بعنوان طراح و خواه بعنوان مباشرت در اجرا یا معاونت در تهیه مقدمات اجرائی آن توطئه ها، بدیهی است همانگونه که گفته شد سرکوبی هرگونه آثار مقاومت اپوزیسیون خواه بصورت سازمان یافته و خواه بی شکل و انفرادی وظیفه اساسی و اولیه دستگاه ساواک بوده و هست. شیوه هائیکه ساواک در ایران بکار برده است از تحبیب و دادن پاداش و منصب و مقام شروع و به شکنجه های غیر انسانی در بدترین اشکال متصور آن ختم میگرددیده است و اینهمه احتیاج به سازمانهای خاص و کادرها و افراد تعلیم دیده مخصوص داشته است که با توجه بامکانات مالی نامحدود و دست باز در تمام زمینه های حکومتی و خصوصی، ساواک از خدمات و همکاریهای گروههای کثیر العده و مختلف المشرب بهره برداری میکرده و در عوض دست آنان را در انواع و اقسام غارتگریها از بیت المال و منابع طبیعی

و ملی در سطح مملکت باز گذاشته بود. آنچه مهم بود تا مین منافع اربابان امپریالیسم و حفظ سیطره رژیم استبداد مطلقه فردی بود و لاغیر این دو هدف بهر قیمت و از جمله به بهای دستبرد به تمام موجودیت مادی و معنوی ملت میبایستی تا مین میگردید.

XXXXXXXXXXXXXX

از همان فردای روز ۲۸ مرداد مقاومت ملت ایران در برابر توطئه کودتای امپریالیستی - ارتجاعی مسلط بصورتهای گوناگون آغاز گردید، در اینجا مجال آن نیست که نقش سازمان های مختلف دموکراتیک و مترقی و ملی را در این مورد بازگو کنیم و یا نقائص کار آنان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و علل عدم توفیق سازمانهای موجود در ۲۸ مرداد در مقابله مؤثر و جدی با کودتا و در نتیجه از هم کسبختگی و تلاش آن سازمانها را مورد بررسی قرار دهیم و درسهای لازمی را که باید از آن گرفته شود یاد آوری کنیم. این کار بسیار دقیق و لازم است که قطعاً میبایستی مدتها قبل انجام گرفته باشد و اگر تا کنون بتمام و کمال انجام نگرفته و یا بصورت ناقص انجام گرفته مایه تا سف و خسران است.

کوتاه سخن آنکه ملت مبارز و مقاوم ایران بصورتهای گوناگون و در تمام زمینه ها با کودتا و سلطه کودتاجیان بمبارزه برخاست، سراسر بیست و شش سالگی که پشت سر گذاشته ایم مشحون از رویداد هائی است که با خون و اشک و رنج فرزندان دلیر و گرانقدر و والای این آب و خاک عجین شده و درخشانتترین صفحات را بر تاریخ سراسر قهرمانی و دلاوری خلقهای ایران افزوده است. کودتاجیان مسلط سرمست از باده پیروزی جشن پشت جشن ترتیب میدادند و با صرف میلیونها و میلیاردها ریال از خزانه مملکت خنده آورترین کارناوالهای تاریخ را بعنوان جشن های تاجگذاری و دو هزار و پانصدمین سال شاهنشاهی

و پنجاهمین سال سلطنت سلسله پهلوی و جشن هنر و غیره بر پا کرده و در
ظلمت خفقان و سانسور بر روی اجساد قهرمانان پایکوبی میکردند و میپنداشتند
که واقعا دنیا سراسر بکامشان گشته و همه چیز تمام شده است، غافل از اینکه در
همان حال که آنان وقیحانه ترین مظاهر ابتذال را بنمایش می گذاشتند زندگی
واقعی ملت به پیروی از نوامیس خدشه ناپذیر و قانونمندی علمی در کار تکوین
نطفه های جنبش انقلابی و دگرگون کننده بود و اقیانوس بظاهر آرام حیات ملی
در اعماق خود طوفان عظیمی را میپرورد که اکنون نخستین امواج آن پدیدار
گشته است. در این سالها در کنار نامردمیها - دنائت ها - رزالت ها نمونه های
والای مردمی و شرف و مردانگی و عزت بقیمت جان بهترین فرزندان وطن رقم
زده شد. رژیم استبدادی با تمام قوا کوشش کرده و همچنان کوشش میکند که
تاریخ واقعی قهرمانی ملت ما و فرزندان شایسته آن را در پس ابرهای ظلمت
خفقان و سانسور پوشیده نگاه دارد ولی آفتاب را با گل نمیتوان اندود مبارزه
نور و ظلمت در سراسر این بیست و شش سال خونین ادامه داشت و هنوز هم
ادامه دارد. خلق قهرمان ایران همه توطئه های امپریالیسم و مزدوران ایرانی
آن را همراه با همه یورشهای سبعانه و ددمنشانه از سر گذراند. و اینک بار دیگر
در حالیکه از سراپای قامت رسایش خون میچکد و آثار زخمهای فراوان بر پیکرش
دیده میشود با تمام قد بپا خاسته است.

اینک ماهیاست که ملت یورش متقابل خود را آغاز کرده و دشمن را با
تمام مهابتش و ادار به عقب نشینی کرده است. این یورش باید در تمام زمینه ها
گسترش یابد در زمینه سیاسی - ایدئولوژی - فلسفی - اجتماعی - فرهنگی و
اقتصادی و غیره. افشاگری و برملا کردن تمام جنایات گذشته که سرگذشت آلوده
و خیانت بار هیئت حاکمه مبعوث امپریالیسم را در طول بیست و شش سال نشان

میدهد یکی از صحنه های این یورش است، نباید گذاشت که داستان جنایات ناگفته بماند و همراه با لاشه پلید جنایتکاران مدفون گردد... باید تا آنجا که میسر است همه جنایات فاش و بر ملا گردد... ماجرای توطئه های ضد ملی و دوز - کلک های نابکارانه برای دستبرد به بیت المال و تاراج ثروتهای ملت و مردم ایران و افراد ایرانی باز گفته شود عاملان آن شناسانده شوند و اگر هنوز زنده هستند بپای میز محاکمه در پیشگاه ملت فرا خوانده شوند و اگر مرده اند حکم محکومیت آنان اعلام شود تا ننگ ابدی همراه نام آنان گردد... افشاگری با این وسعت و در باره کلیه جنایاتی که در طول بیست و شش سال صورت گرفته امیری شخصی نیست و با اقدامات انفرادی صورت پذیر نخواهد بود این یک وظیفه همگانی و مربوط به همه مردم مبارز و تمام کسانی است که با تمام قوا درگیر نبرد با استبداد بوده و میباشند... این افشاگری همانسان که گفته شد یکی از جنبه های نبرد همه جانبه ایست که ملت قهرمان ما درگیر و دار انجام آنست... این نبرد محتاج سازمان مناسب و ابزار کار و کادرهای لازم و مخصوص بخود میباشد... کار سازمانی مخصوص این نبرد توده ها را به مبارزه خواهد کشانده... بیک کار دسته جمعی و شمربخش... شمره این کار دسته جمعی نه تنها شناساندن و رسوا کردن و نیز انجام محاکمه و مجازات کلیه عوامل تبهکار امپریالیسم و مزدوران ایرانی آن میباشد بلکه شیوه های تبهکاری و دوز و کلک های آنها و راه و رسم عاملان آنها بر ملا خواهد کرد... نبرد در این جنبه سطح آگاهی توده ها را بالا خواهد برد نسل حاضر و نسل های آینده در سهای گرانبهای خواهند گرفت، آنان دیگر همه انواع توطئه ها، پایه ها و عناصر تشکیل دهنده مادی و معنوی آنها خواهند شناخت و مسلماً در پیکارهای بعدی از این درسها پند خواهند گرفت... چنین است تحلیل ریشه ای و اجتماعی ضرورت تهیه یک طرح

پویا و زنده برای محاکمه و مجازات تبهکاران.

آشکار است که افشای توطئه‌ها و جنایات امپریالیسم و مزدوران آن در یک دوران مشخص بیش از یکربع قرن واجد اهمیت بسیار و مشحون از تجارب گرانبها برای مبارزین جوان و جوانتر خواهد بود، جمع بندی این تجارب و شناساندن همه عناصری که بنحوی از انحاء در توطئه‌های امپریالیستی و جنایات عمال داخلی آنها دخالت داشته اند امکان خواهد داد که در صورت پیروزی جنبش مردم همه دستگاهها از وجود عناصر خائن و مزدور تصفیه گردد، این الوقت‌ها و عناصر فرصت طلب سرچایشان نشانده شوند و فرصت رنگ عوض کردن و صحنه سازی بآنان داده نشود. این موضوع در شرایط تاریخی میهن ما وبخصوص با توجه به عدم تداوم و انتقال تجارب انقلابی هر نسل بصورت صحیح و سیستماتیک به نسل دیگر از اهمیت ویژه برخوردار است، ما نیازی نداریم که در این زمینه به تفصیل بپردازیم کافی است که جریانات انقلاب مشروطیت و عناصر فرصت طلبی که بعدها خود را بعنوان سردمداران جنبش جا زدند بخاطر بیاوریم.

بخاطر بیاوریم چگونه قهرمانان واقعی این نهضت هر یک بگونه‌ای از پای در آمدند و فرصت طلبان همه مقامات مملکتی را قبضه کردند! در مقاطع تاریخی موخر بر دوران مشروطیت وضع بهمین صورت بوده. پاک کردن صفوف نهضت از عناصر فرصت طلب، متلون، روبه صفت، یک وظیفه عینی است. بسیاری از مبارزین امروزی در سالهای بعد از کودتا بدنی آمده اند بسیار طبیعی است که این مبارزان جوان از رویدادهای گذشته بی خبر باشند و مدعیان پیش کسوتی را شناسند، باید شرایطی فراهم کرد که نسل جوان مبارزان تا حد امکان نسل های ارشد را بشناسد.

طرح مسئله کمیته تحقیق ملی و دادگاه ملی

براساس این زیر بنای فکری که مبانی آن بیان گردید فرصتی پیدا شد تا موضوع در قالب مناسب ریخته شود و برای قضاوت خلق مبارز ایران عرضه گردد: کابینه شریف امامی در کار اجرای یک سلسله مانور رفرمیستی بود شاید بتواند هیجانات توده ها را مهار کند، باهری وزیر دادگستری این کابینه واقف بود که مجازات متجاوزین بحقوق عمومی یکی از خواسته های واقعی توده های مردم است. آشکار است که نه کابینه و نه وزیر دادگستریش هیچگاه نمیخواستند این خواست بمعنای واقعی و بصورت قاطع عملی گردد. کابینه شریف امامی دنباله سلسله کابینه هائی بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد با هدف مشخص سرکوب جنبش و حفظ منافع امپریالیسم و استوارتر کردن رژیم استبداد فردی بر میهن ما مسلط شدند افراد این کابینه بطور عمدۀ در بسیاری از کابینه های دیگر نیز عضو بودند و در مجموع از عناصری بودند که بارها و بارها در توطئه های ضد ملی پا در میانی و مشارکت مستقیم داشتند چگونه ممکن است یک وزیر از چنین مجموعه در مقام تعقیب و مجازات واقعی متجاوزین بحقوق عمومی باشد؟ رئیس کابینه بعنوان صدر فراماسونری ایران و کابینه او در مجموع رسالت حفظ اساس رژیم را بعهدۀ خود میدانستند و با توجه بشرایط در زمینه های دیگر از خود نرمش و انعطاف قابل توجه نشان میدادند، لذا همانگونه که در مجالس بشرحی که گذشت، در کادر محدود و معین گوشه هائی از جنایات گذشته رژیم نموده میشده وزیر دادگستری کابینه نیز میخواست با پیشنهاد لایحه تعقیب مقامات عالیرتبه کشوری و لشکری متعدیان بحقوق فردی و عمومی و انجام یک سلسله اقدامات غیر قاطع و غیر اصولی گروهها را برای مدتی باز داشت کند و احیانا آنها را بدست سازمان قضائی موجود که از هر لحاظ مثله شده و از رمق

افتاده است بسیار تا عجالهٔ هیجانات مردم فروکش کند و بعدها سر فرصت آب
تطهیر بر سر تمام یا قسمت اعظم افراد بازداشت شده ریخته شود. این کار در
کشور ما بیسابقه نبود سالها قبل از کودتای ۲۸ مرداد کمیسونی برای رسیدگی
بصلاحیت کلیه مسئولان و مقامات مملکتی تشکیل گردید و بسیاری از رجال مشهور
در بند (ج) قرار گرفتند یعنی رسماً بعنوان افرادی فاقد صلاحیت اخلاقی و اجتماعی
معرفی شدند ولی بعدها همین اشخاص بطور عمده زمامداران مملکت و مشاغلین
مقامات عالیه را تشکیل دادند تنی چند از آنان نخست وزیر شدند و بعضی رئیس
مجلس و غیره و غیره. همچنین است داستان قانون از کجا آورده ای که بعدها
سوژه تمسخر و ریشخند مردم گردید و کوچکترین اثری در جهت تصفیه مقامات و
و مناصب از آن بدست نیامد، زیرا رژیم در مجموع مظهر فساد و تجسم و حاصل
تجاوز بحقوق فردی و عمومی بوده است، چگونه ممکن است جزئی از این رژیم
در ادعای مبارزه با فساد جدی و قاطع باشد در حالیکه کل آن در خدمت فساد
بلکه عین فساد است؟ و از آنجا که سالیان دراز عناصر رفورمیست هیئت حاکمه
در اقلیت بودند بر فرض که تلاشهای آن عناصر در مواقع بحرانی برای چاره
بحران جدی هم میبود، بهیچوجه نمیتوانست مجال خودنمایی پیدا کند چه رسد
باینکه قرین توفیق گردد.

باری طرح وزیر دادگستری که به رئیس کانون وکلا داده شده بود از
طریق ایشان در اختیار اعضای هیئت مدیره قرار گرفت در اولین برخورد از
طرف من و تنی چند از همکاران بطور قاطع مردود اعلام گردید، فردای آن روز
رئیس کانون طی نامه کتبی از اعضای هیئت مدیره درخواست کرد که فارغ از
نیت و روش و هدف دولت در این مسئله "طرحی را" برای تعقیب و مجازات
متصدیان بحقوق مادی و معنوی مردم و مملکت ظرف ۲۵ سال گذشته بمفهوم

صحیح و جدی و عملی تعقیب و مجازات " تهیه کنند .

آشکار است با این وصف تهیه طرح اساسا در کادر تمایلات دولت وقت یا وزیر دادگستری آن مطرح نبود بلکه طرحی بمفهوم جدی و صحیح و عملی تعقیب و مجازات در میان بود . طرح مسئله تعقیب و مجازات کلیه تبهکاران و متجاوزین بحقوق و اموال عمومی فی الواقع میبایستی از همان ابتدای بالا گرفتن امواج جنبش عنوان میگردد و همه گروههای مبارز توجه جدی بآن معطوف میداشتند . این وظیفه انجام نشده بود اینک فرصتی برای طرح مسئله بصورت علمی و صحیح پیدا شده بود در این شرایط من طرح خود را عرضه کردم که در پایان این بحث از نظر خوانندگان خواهد گذشت . بدون تردید هر فرد متعهد در قبال هر مسئله اجتماعی باید موضع مشخص وقاطع خود را داشته باشد مختصات این موضع باتوجه بسوابق و ریشه های اجتماعی و وابستگی آن فرد در زمان مشخص و در برخورد با تضاد اصلی هر مرحله تاریخی و با توجه بتضادهای فرعی معین میشود با در نظر گرفتن این حکم قانونی - اجتماعی طرحی که از طرف من تهیه و عرضه میگردد میبایستی انعکاسی از یک موضع خاص اجتماعی در شرایط فعلی باشد ، ولی بجهت خاصی که ضرورت وحدت عمل در شرایط فعلی ایران ایجاب کرده و میکند کوشش شده بود که این طرح طوری تهیه و عرضه گردد که حتی المقدور حاوی قدر مشترک موضع اجتماعی گروهی از اعضای هیئت مدیره باشد که تحت عنوان جانبداری از حاکمیت قانون مبارزه انتخاباتی خود را آغاز و بپایان برده بودند لذا این طرح درعین حال که واقعا نمیتوانست بعنوان طرحی از طرف هیئت مدیره کانون عنوان گردد بدرستی نمیتوانست طرحی باشد که از طرف منتخبین وکلای پیشرو عنوان و پیشنهاد میگردد . بیان این مطلب نباید موجب این توهم باشد که مسئله در کادر محدود وظایف صنفی وکلا مطرح بوده و یا چیزی است مخصوص این گروه

چنین توهمی بکلی نادرست است مسئله امری است اجتماعی - سیاسی و مربوط
باین مرحله از جنبش در حال اوج مردم . جهت تبلیغات رسمی دولت سابق با توجه
بعنوانی که بر خود نهاده بود (کابینه آشتی ملی) این بود که حتی المقدور با
ارگانهای انتخابی اصیل و یا سازمان های ملی بگونه ارتباط برقرار کند شاید
بتواند برای خود در میان مردم پایگاهی ایجاد کند علت اساسی توجه بکانون وکلا
و سعی در تظاهر بر رعایت نقطه نظرهای کانون را باید در این جا جستجو کرد .
چند خبر جنجالی در روزنامه های عصر در باره این طرح بچاپ رسید که تهیه
کننده طرح ابدأً از آن اطلاع نداشت و با توجه به نقشی که جراید عصر اختناق
در تقویت بنیان رژیم بعهدہ دارند و مسئولیتی که از این لحاظ متوجه آنها
میباشد تهیه کننده طرح هیچگاه همداستانی و خبرسازی برای این جراید را عملی
اصولی ندانسته و نمی داند (البته حساب توده نویسندگان و کارکنان این روزنامه ها
از خود روزنامه ها بکلی جداست) و بهمین دلیل حتی از هرگونه مصاحبه عادی
نیز با این جراید احتراز کرده است ، اما همین خبرها موجب شد که در بین وکلای
دادگستری بگو مگوهائی آغاز شود ، این عکس العمل از چند لحاظ طبیعی میباشد :
یکی اینکه خبرها اساساً بگونه انتشار یافته بود که میتوانست موهم این القا شبهه
باشد که گویا کانون وکلا در همداستانی با دولت طرحی را تهیه و عرضه کرده
است که البته این مطلب بحق عکس العمل مخالف گروهی را بر میانگیخت زیرا
هرگونه همداستانی با دولت عملی بود از ریشه نادرست و غیر اصولی . دیگر اینکه
وکلا دادگستری جماعتی همگون نیستند بلکه وابسته بهمه گونه طرز تفکر اجتماعی
از افراطی ترین موضع راست تا افراطی ترین موضع چپ میباشند و بالاخره این
حقیقت که با کمال تا سَف از نظر همبستگی صنفی نیز وکلای دادگستری بجهت
عدیده در پائین ترین درجات هستند . با تمام احوال نحوه برخورد با طرح

به کیفیتی بود که عوامل سه گانه فوق نمیتوانست بدرستی توجیه کننده آن باشد .
واقعیت اینست که بعضی از افراد و گروههایی که در شرایط فعلی سنگ مخالفت با
رژیم بسینه میزنند با توجه به شمول و کلیت طرح تهیه شده در زمره کسانی قرار
میگیرند که خواه نا خواه میبایستی در پیشگاه ملت ایران پاسخگوی اعمال خود
باشند بسیار طبیعی است که این افراد و گروهها با هر گونه عکس العمل قاطع و
همه گیر ملت در قبال جنایات گذشته رژیم مخالفت کنند ، اینان نیز اگر آگاهی
گفتگو از تعقیب متعدیان به حقوق فردی و عمومی میکنند نظرگاهشان بسیار محدود
و غیر قاطع است و لذا نمایندگان و بلند گویان این قبیل طرز تفکرها و گروهها
در هر لباس که باشند میبایستی خواه نا خواه در قبال طرح پیشنهادی موضع گیری
مخالف داشته باشند .

تنی چند چنین عنوان کردند که با اعاده صلاحیت عام محاکم دادگستری
نیازی به هیچگونه طرح یا قانون تازه برای تعقیب متجاوزین نیست بزعم اینان
کافی است که صلاحیت عام محاکم دادگستری اعاده گردد آنگاه همه کارها روبراه
خواهد شد و متجاوزین به سزای اعمالشان خواهند رسید ! ! این قبیل طرز تلقی
از مسئله ناشی از اینست که جانبداران آن صرفا از دیدگاه خاص و محدود صنفی
بقضیه مینگرند ، برای آنان مسئله در قالب مبارزات کلی ملت و اینکه افشا و تعقیب
کلیه تبهکاران و متجاوزین جزئی از مبارزه همه جانبه علیه رژیم استبدادی است
مطرح نیست برای آنان فقط توجه به مسائل خاص تکنیکی و موضعی از جهت
رعایت جانب قضات و غیره مطرح است و از این نظر گاه مسئله تا حد جزئی از
کار روزمره دستگاه قضائی وابسته کوچک میشود و پیداست که در لابیرنت
مقررات و قوانین و سازمانهای موجود جز یک کاریکاتور از مبارزه علیه متجاوزین
و فساد چیزی نمیتواند عرضه گردد باضافه تریبونی برای سخنرانی چند نفر وکیل .

در اینجا لازم است بلا فاصله اضافه کنیم که در طول پنجاه سال یک سلسله قوانین ناقض اصول اساسی حاکمیت مردم و حقوق ملت ایران از مجالس فرمایشی گذشته که این قوانین جزئی از ابزار کار رژیم استبدادی بوده، فاش و برملا کردن ماهیت این قوانین و مبارزه برای لغو کلیه آنها قسمتی از وظایف کلی افشاگری و تعقیب متجاوزین خواهد بود. ولی این فقط جزئی از اقدامات ضروری خواهد بود و بهیچوجه در

زمینه کار کلی تعقیب متجاوزین کافی نخواهد بود.

بدو نکته اشاره میکنیم: طبق قوانین موجود مرور زمان تعقیب جنایات ده سال است (جز در مورد جرائمی که مجازات اعدام دارند که این مرور زمان ۱۵ سال میباشد) یعنی در حال حاضر فقط جنایاتی میتواند قابل تعقیب در دادسراهای عمومی باشد که از زمان ارتکاب آن ده سال بیشتر نگذشته باشد و بالنتیجه عاملین و مباشرین توطئه ضد ملی کودتای ۲۸ مرداد و تمام توطئه های متعاقب آن از جمله صحنه سازی مربوط به نقض قوانین ملی شدن نفت و سپردن منابع ثروت ما به کمپانیهای تاراجگر و دهها توطئه دیگر از جمله توطئه های صد حکومت ملی بعنوان انقلاب شاه و ملت و غیره و کشتار ۱۵ خرداد و صدها قتل در زندانها و شکنجه گاهها و غیره از این نظر که جرایم انتسابی مشمول مرور زمان است قابل تعقیب نخواهد بود، و فقط اعلام جرمهایی میتواند در دادسراها و مراجع تعقیب طرح گردد که تاریخ ارتکاب آن جرایم مربوط به کمتر از دهسال قبل باشد و در این فرض نیز عاملین و آمرین و مباشرین در صورتی که نظامی باشند و بسبب وظیفه مرتکب این جرائم شده باشند در دادگاههای نظامی محاکمه خواهند شد یعنی تمام دژخیمان فرمانداری نظامی و رکن ۲ ستاد ارتش که مبارزان ضد استعمار را به بند کشیده و در تحت انواع شکنجه های ضد بشری قرار دادند و بسیاری از قهرمانان واقعی خلق را در زیر شکنجه کشتند سر و کارشان فقط با دادگاههای نظامی خواهد بود و این در صورتی است که بزعم آقایان رژیم "دموکرات" شود

و صلاحیتهای تمام دادگستری را بمحاکم عمومی اعاده دهد! بنابراین قبول نظریه این حضرات نتیجه دیگری جز این ندارد که فقط معدودی از غیر نظامیانی که در ده سال اخیر در معرض اتهام مفروض قرار میگیرند بدادگستری فرا خوانده شوند، آنهم معلوم نیست با کدام دلایل اثباتی؟! بطور خلاصه آب پاکی بروی سر همه جنایتکاران و توطئه گران ضد ملی بیست و شش سال اخیر ریخته میشود و حتی اگر قرار باشد مباشران و مسئولان کشتارهای اخیر نیز تعقیب شوند الزاماً کماکان در دادگاههای نظامی محاکمه میشوند.

XXXXXXXXXX

کمیته تحقیق ملی پیشنهادی در طرح بمثابه یک ارگان زنده و مبارز در سراسر کشور باید مجدانه وارد عمل شود، در هر یک از استانها و شهرستانها و بخشها میتواند شعب یا دفاتری بوجود آورد تا کار افشاگری و جمع آوری دلایل سازمان یابد و متمرکز گردد. همه عناصر آگاه بعنوان ضابطین کمیته در سراسر کشور بکار جمع آوری دلایل و شناختن پایه های اصلی توطئه ها و عاملین جنایات خواهند پرداخت بدیهی است اینان مانند ضابطین رژیم از شکنجه و ترور و وحشت و سایر روشهای غیر انسانی و غیر دموکراتیک استفاده نخواهند کرد، اینان بمیان خلق خواهند رفت، درد دلها را با حوصله خواهند شنید، بدون اینکه کوچکترین دردسر یا مزاحمتی ایجاد کنند با خانواده های ستم دیده یا شاهدان و مطلعان بگفتگوی دوستانه خواهند پرداخت تا بتوانند راه تحقیق را بکشایند و با پی گیری جزئیات، همه قضایای مورد نظر را روشن کنند، در مواردی که لازم است و سر و کارشان با دستگاههای دولتی یا بنگاههای خصوصی سازمان یافته است با قاطعیت عمل خواهد کرد و مجال نخواهد داد که آثار و دلایل باقیمانده محو یا استتار گردد. اینجا است تفاوت ماهوی این قبیل تحقیقات

ملی با تحقیقات رسمی مراجع سنتی قضائی که با صدور اخطار و احضار و تجدید وقت و غیره ماهها و سالها را بدون کوچکترین نتیجه تلف میکنند.

XXXXXXXX

یک تجربه تاریخی - طومار رژیم دیکتاتوری رضا شاهی در سوم شهریور ۱۳۲۰ در هم پیچیده شد. بدیهی است رژیم دیکتاتوری خواه ناخواه بنا وجود استحکام ظاهری آن در هم فرو می ریخت و لسی در آن شرایط سرنگون شدن دیکتاتور مستقیماً بدست خلق و در نتیجه هجوم قوای مردم انجام نشد بلکه ورود قوای متفقین بعنوان یک عامل تشدید کننده بحران، پروسه سرنگونی دیکتاتور را فعلیت بخشید. مردم سرکوب شده و خفت دیده یکباره فهمیدند که پایه‌های رژیم تا چه حد لرزان و پیشرفتهای عظیم ادعائی تا چه اندازه میان تهی و واهی بوده است. امواج خشم و هیجان ملت بالا گرفت و مستقیماً رژیم را هدف قرار داد. مردم فرصتی پیدا کردند تا سازمانهای سیاسی خود را بوجود آورند و بطور جدی در کار بدست گرفتن عنان سرنوشت خود بر آیند ولی در این راه فاقد تجربه و آگاهی میبودند و از طرف دیگر سازمانهای کار آزموده و آبدیده سیاسی نیز وجود نداشت تا کار هدایت مردم را بدست گیرند. تعدادی از رجال خوشنام دموکرات منش از دوران اختناق و دیکتاتوری جان بدر برده بودند و گروهی از مبارزین پیشین زندانی نیز از سیاهچالها بیرون آمدند ولی نه آنان و نه اینان نمیتوانستند جای سازمانهای انقلابی واقعی را بگیرند و کار جنبش مردم را سامان بخشند. بودند روشنفکران و روزنامه نگارانی که در مورد تعقیب کلیه مسئولان دوران دیکتاتوری و به محاکمه کشیدن رژیم نقطه نظرهای اصولی داشته و این نقطه نظرها را طرح و تعقیب میکردند اما با کمال تأسف بعلمت فقدان سازمان سیاسی آزموده و غفلت کسانی که در آن روزها میرفتند تا کار

رهبری توده ها را بدست گیرند تز اصولی به محاکمه کشیدن رژیم و کلیه مسئولان اختناق دیکتاتوری چون بمیان توده ها برده نشد تا جان بگیرد و بصورت یک حرکت زنده خود را تحمیل کند، بکناری گذاشته شد فقط معدودی اعلام جرم وسیله بازماندگان پاره از قربانیان رژیم دیکتاتوری در دادگستری آن زمان بحریان افتاد، بقایای رژیم که تقریباً دست نخورده باقی مانده بود بخوبی از این اعلام جرمها بهره برداری کرد، سر و صدای زیادی راجع به محاکمه ما مورین شهربانی بر پا کردند و سر انجام جز پزشک احمدی کسی بر بالای دار نرفت، گوئی مسئول دائمی کلیه جنایات و خیانتهای رژیم دیکتاتوری قبل از شهریور فقط پزشک احمدی بود، برای بقایای رژیم بسیار ساده بود که پاره از ما مورین شهربانی را قربانی کند و مجموعه رژیم را دست نخورده نگهدارد همین کار را هم کرد ولی البته در این کار هم بتدریج که هیجان توده ها فرو نشست جانب خدمتکاران قدیم را نگهداشت. سرپاس مختاری (نصیری آن زمان) که بده سال حبس محکوم شده بود پس از چند سال مورد عفو واقع شد و پاداش نقدی هنگفتی نیز از جانب خلف صدق اربابش باو اعطا گردید.

نادیده گرفتن این تجربه که با فاصله چند سال به مرحله تاریخی که ما در آن هستیم مستقیماً متصل میگردد خطائی بسیار عظیم و غیر قابل جبران است. مبارزه علیه جنایتکاران و متجاوزین بحقوق عمومی جزئی از مبارزه عظیم و همه جانبه ملت علیه رژیم استبداد فردی دست نشانده امپریالیسم است، این حقیقت نباید هیچگاه از نظر دور گردد و همواره باید بطور زنده در مقابل دیدگان همه مبارزان مجسم گردد. هم اکنون نیز تمام هم و غم کارگزاران امپریالیسم اینست که مجموعه دستگاه و رژیم استبدادی را ولو بقیمت فدا کردن دهها تن از صمیمی ترین نوکران و خادمان استبداد - بر سر پا نگاهدارد بیگمان

هشیاری توده ها و عمق و وسعت نهضت نه چنان است که نیرنگ کارگزاران رنگارنگ امپریالیسم کارگر شود ولی باین خطر جدی و واقعی نباید نه کم بها داده شود و نه اینکه از نظر دور گردد... یک حقیقت مسلم است و آن اینکه سرکرده و فرمانده دستگاه استبداد، فردی مسئول و جوابگوی همه جنایات بوده و می باشد ولی این اصل مسلم نباید موجب گردد که هیچیک از طراحان و مجریان و خیانتکاران و غارتگران از مجازات معاف گردند همه و همه بجای خود مسئول و جوابگوی اعمال خود میباشند و باید به پای میز عدالت ملت کشانده شوند.*

*- یک خاطره - گویا اواخر سال ۱۳۲۶ بود من آنروزها با سمت

دادیاری در دادسرای دیوان کیفر کار میکردم، روزی مردی با قامت متوسط ولسی تنومند با موهای خرمائی مراجعه کرد و تقاضا داشت تکلیفش زودتر معین شود. بقرار اظهار، پرونده اش بمن ارجاع شده بود. پرونده را مطالعه کردم و خواندم معلوم شد این شخص یاور حبیبی رئیس کارپردازی شهربانی در زمان آیرم می باشد. از نسل حاضر شاید کمتر کسی اسم سرلشکر محمد حسین خان آیرم و داستان فرار او را شنیده باشد. این خود داستانی شنیدنی است که ارتباطی با بحث ما ندارد. پس از فرار آیرم یاور حبیبی بعنوان همکار نزدیک او باز داشت میشود. پرونده حکایت داشت که این یاور حبیبی در نقش رئیس کارپردازی شهربانی در عین حال تدارک لوازم و مصالح ساختمان قصور سلطنتی را عهده دار بوده و کار ساختمان را نظارت میکرد. او با استفاده از اعتبارات مصالحی که شهرداری از طریق اخذ عوارض و غیره میتواند در اختیار بگیرد از یکسو و از سوی دیگر با تحصیل جواز ورود اشیاء با استفاده از قانون انحصار تجارت خارجی و سایر قوانین که آنروزها گذشته بود بنام شهربانی و فروش جوازه ها به تجار بازار پول های حاصل از آنرا

بررسی مختصر دوران بعد از رضا شاه و ماجرای پزشک احمدی درس

عبرتی برای آن گروه است که از روی حسن نیت و نا دانسته دنباله رو کسانی میشوند که هر بر خورد منطقی و علمی با مسائل اجتماعی را نفی میکنند و بجای آن فورمولهای موضعی و کوتاه نظرانه را با لعاب حفظ اصول بخورد مردم میدهند. اگر خلق واقعاً سر رشته همه کارها را بدست نگیرد و بقدرت بی پایان و لایزال خود، آنها را سامان نبخشد هر گونه فورمول و راه حل اصلاحی حضرات فرمالیست جز یک دام و فریب نخواهد بود. چه فرق میکند رژیم با صحنه سازی دادگاه فوق العاده هیجان مردم را برای مجازات متجاوزین فرو می نشاند و سرانجام نیز جز تنی چند از حواشی بی اهمیت رژیم کسی گرفتار نمیشود و حضرات فرمالیست نیز در پناه حفظ اصول همه متجاوزین را بگونه دیگر از مجازات میرهانند. نتیجه از نظر مردم - مردم ستم دیده، مردمی که بیش از بیست و پنج سال هر روز و هر ساعت باج تارا جگریهای بی حساب سردمداران رژیم و حواشی آنان را داده اند یکسان است.

برای اتمام ساختمانها و دستمزد و غیره مصرف میکرد، جوازهای مختلفی را در بازار فروخته بود که از آن جمله تا جایی که بخاطرم مانده جواز ورود دویست دستگاه موتورسیکلت و چند صد قطعه پتوی هلندی و غیره بود از آن موتورسیکلتها فقط دو دستگاه مورد نیاز شهربانی بوده و پتوهای پشمی هلندی مطلقاً مورد نیاز شهربانی نمی بوده است. باری با اینکه اتهام منتسبه به یاور حبیبی سوء استفاده و در قالب عناوین اختلاس و غیره بود پرونده او را به دادگستری نفرستاده بودند دادگاه اداری شهربانی او را به دو سال حبس محکوم کرده بود و او مدتها نیز پس از آن در حبس گذرانده بود پس از شهریور بیست و آزاد شدن از زندان کار خود

در طرحی که از نظر ملت ایران میگذرد ترکیب فعلی کمیته تحقیق ملی و دادگاه ملی با توجه به تشکل های نسبتاً رسمی موجود که سازمانهای سیاسی نیستند ولی بهر حال در جبهه اوپوزیسیون قرار دارند، در نظر گرفته شده است. بدیهی است این ترکیب در صورتیکه سازمانهای صنفی و اتحادیه‌ای بوجود آیند که منعکس کننده تمایلات گروههای کثیرالعهده تری باشند قابل تغییر است بنحوی که واقعاً هم کمیته تحقیق و هم دادگاه ملی نماینده تمایلات گروه بندیهای اجتماعی در مجموع باشند.

در شرایط فعلی اجتماعی تدارک تشکیل کمیته تحقیق ملی بصورت پیشنهادی ضرورت عینی دارد. قصور در این زمینه نادیده گرفتن این ضرورت است که مبارزه در هر شرایط باید در تمام جوانب با قاطعیت علیه دشمن مشترک ادامه یابد.

را دنبال کرده بود و پس از سالها پرونده به دادگاه تجدید نظر اداری رفته بود. این دادگاه جرایم انتسابی را در صلاحیت دیوان کیفر تشخیص و آنرا به دادسرای دیوان کیفر فرستاده بود. در ارتباط با این پرونده من سوابق دیگری را مطالبه کردم و خواندم و معلوم شد که این پرونده ها مربوط به اعلام جرمهایی است که اشخاص زیان دیده و خانواده‌های برباد رفته نسبت به جنایات آگاهی و کارآگاهی دوران مختاری کرده بودند. تعداد این پرونده ها ۵۵ فقره و هر یک از اعلام جرمها متضمن دهها فقره جرائم از درجه جنایت و جنحه بوده که تماماً بعلت فوت عربشاهی در زندان با صدور قرار موقوفی تعقیب چند سطری، بایگانی شده

کمیته تحقیق ملی بمشابه وسیله مطمئن جمع آوری دلایل و شناسائی کلیه متعدیان بحقوق عمومی و کلیه تبهنگاران بیست و شش سال اخیر، واجد نهایت اهمیت است. این کمیته از نظر فنی جای دادرسیهای عمومی را در یک دوران فوق العاده و برای تهیه مقدمات رسیدگی به جرایم گروه کثیری خواهد گرفت، کمیته تحقیق ملی ارگان مقدماتی اجرای عدالت ملی است، کمیته مقدمات کار دادگاههای ملی را تدارک خواهد دید. اما در باره حقانیت و مشروعیت کمیته تحقیق ملی و دادگاه ملی حتی از نظر اصول حقوقی نیز صرفنظر از این اصل اساسی که کلیه قوای مملکت ناشی از ملت است و قوه قضائیه نیز جزئی از این قواست اساساً، در عصر ما با توجه به مخاطراتی که از یک سو از طرف نظام های فاشیستی متوجه ملت ها و آزادیهای اساسی انسانها و بشریت در مجموع گردید و از سوی بشریت این اصل پذیرفته شد که فاشیسم نه تنها بعنوان یک آفت بلکه

بودند پرونده تماماً در شعبه ۵ بازپرسی وقت دادرسی دیوان کیفر مطرح بوده، با خواندن هر یک از اعلام جرمها واقعا موی بر اندام راست میشد و وحشت و نفرت سراپایم را میگرفت درست است اعلام جرمها بجهت اینکه عربشاهی ریاست اداره آگاهی را داشت و مقدادی رئیس دایره کارآگاهی تماماً در یک پوشه جمع شده بود ولی این ۵۵ فقره پرونده متضمن صدها جرم اعلام شده بود که در آن جرائم هزاران نفر در معرض اتهام بودند اگر عربشاهی بمرگ طبیعی یا غیر طبیعی مرده بود صحیح نبود که پروندهها تماماً با صدور قرار موقوفی تعقیب به بایگانی سپرده شوند زیرا در بسیاری از موارد از نظر قضائی عنوان اتهام این دو معاونت بوده و مباشر و شریک اشخاص دیگری می بودند جالب توجه اینکه چیزیک سلسله دستورات

بعنوان یک جنایت علیه بشریت تلقی گردد و از رشد و نمو و همچنین بروز آثار آن بهر صورت و در هر جا جلوگیری شود و با توجه باینکه در زمینه عدم رعایت اصل مرور زمان در مورد جنایات ضد بشری و فاشیستی میثاقی از سوی سازمان ملل تصویب شده واجد مبانی حقوقی مسلم و غیر قابل خدشه میباشد. پس از پایان جنگ نیز تشکیل دادگاههایی مانند دادگاه برتراندراسل و غیره بعنوان سنتهای انسانی ارجمند نمایانگر این حقیقت شد که دیگر حتی مرزها و حاکمیت دولتها نیز نمیتواند مانع از حق قضاوت بشریت نسبت به تبهکاران و جنایتکاران باشد چه رسد بسایر اصول متبع حقوقی، آنگاه با توجه باین اصول و سنت های مورد قبول و متبع بشریت ترقیخواه عصر ما چگونه ممکن است ملت ایران را باستناد پاره‌ای از اصول حقوق خصوصی از اعمال قسمتی از حق حاکمیت و ابراز اراده ملی در خصوص خائنین و تبهکاران که تمام روشهای فاشیستها را مورد استفاده قرار داده و با تکنیک مدرن تر، آن روشهای ضد بشری را نسبت بفرزندان ملت ایران اعمال میکردند محروم کرد؟!

گمان من اینست که این بررسی تا حدود زیادی روشنگر این واقعیت باشد که کمیته تحقیق ملی و دادگاه ملی یک دادگاه اختصاصی بمفهوم خاص قضائی نیست که در قبال دادگاههای عمومی علم شده باشد تا از این طریق بصلاحت و شمول محاکم عمومی خدشه وارد گردد. کمیته تحقیق ملی و دادگاه ملی ارگان اجرائی عدالت ملی در شرایط خاص تاریخی میباشد و از نظر اصول متبع انسانی و حقوقی نیز کاملا قابل دفاع و قابل توجیه است مگر اینکه باشند کسانی که در فرمالیسم تا جایی جلورفته باشند که بجای اینکه برای حاکمیت ملی و اراده آزاد مردم اصالت قائل شوند بدون در نظر گرفتن این اصل که قوای مملکت ناشی از ملت است برای قالبهای حقوقی خاص آنچنان اصالت و اعتباری قائل شوند که این اصل را فدای آن قالبها کنند! بگذار این قبیل فرمالیستها در اوهام خود همچنان غوطه ور باشند.

فرمول وار قضائی هیچگونه اقدام جدی در زمینه تحقیق نیز در این پرونده صورت نگرفته بود. پرونده خود حبیبی واقعا مشمول مرور زمان بود و ناگزیر این پرونده بحق در کنار دهها پرونده قرار گرفت که بنا حق و با استفاده نابجا از فورمولهای رایج قضائی به بایگانی سپرده شده بودند.

اینک طرح پیشنهادی

(طرح تعقیب مقامات عالیرتبه کشوری و لشکری متعدیان بحقوق فردی و عمومی)

ماده ۱- بمنظور تعقیب و مجازات کسانیکه در بیست و شش سال اخیر بمناسبت انجام وظایف خود و یا با استفاده از سمتی که داشته اند و یا بهر علت دیگر نسبت بازادیهای اساسی ملت ایران و اصول قانون اساسی راجع بحاکمیت مردم و حقوق آحاد و افراد ملت یا دولت و یا مؤسسات دولتی و وابسته بدولت و یا شرکتهای دولتی وابسته بدولت و یا شهرداریها و یا مؤسسات مأموربخدمات عمومی و همچنین منابع طبیعی و اراضی موات یا اراضی ساحلی و مستحدثه بنحوی از انحاء مرتکب تعدی و تجاوز شده اند کمیته مرکب از پنج نفر از افراد مورداعتماد عمومی بنام کمیته تحقیق ملی تشکیل میگردد.

تبصره - ابتدای بیست و شش سال مذکور در این ماده ۲۷ مرداد ماه

۱۳۳۲ مییاشد.

ماده ۲- پنج نفر اعضاء کمیته تحقیق ملی از بین کسانیکه در بیست و شش سال اخیر مباشرت تصدی مقامات دولتی از قبیل وزارت و معاونت و مدیر کلی را نداشته و همچنین در مجالس مقننه و احزاب ملیون ، مردم ، ایران نوین ، رستاخیز عضویت نداشته و بنحوی از انحاء با سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی همکاری نداشته اند توسط مجامع ملی آتی الذکر انتخاب میگردد :

یکنفر بان انتخاب کانون نویسندگان ایران - یکنفر بان انتخاب جمعیت

حقوق دانان ایران - یکنفر بان انتخاب کانونهای معلمان در سراسر کشور - یکنفر بان انتخاب

شورای مرکزی دانشگاهیان ایران - یکنفر بان انتخاب اتحادیه ملی اصناف بازار .

تبصره - در صورت فوت یا سلب قدرت کار کردن از یکی از اشخاص فوق
شخص دیگری توسط مجامع مربوط بجای او انتخاب میگردد.

ماده ۳- کمیته تحقیق ملی بکلیه اطلاعات واصله رسیدگی و عندالاقضا
بازرس یا بازرسان مورداعتماد خود را بهریک از دوایر و موعسات و وزارتخانهها
اعم از لشگری و کشوری و شرکتهها و موعسات وابسته بدولت و شرکتهها و موعسات
بخش خصوصی و بانکها اعزام و تحقیقات مقدماتی لازم را بهتشخیص خود معمول
میدارد. وزارتخانهها و موعسات دولتی و وابسته بدولت و شرکتهها و موعسات
مذکور در فوق مکلفند همکاری لازم را با بازرسان کمیته معمول دارند و مدارک
و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار دهند. خودداری از همکاری و عدم ارائه
اسناد و مدارک ببازرسان و هر نوع کارشکنی در کار کمیته تحقیق مستوجب تعقیب
کیفری در محاکم دادگستری بوده و مجازات مرتکب بحسب مورد از سه تا پنجسال
حبس جنائی میباشد.

ماده ۴- هر کس که در معرض اتهام قرار گیرد هر گاه به تشخیص کمیته
تحقیق ملی آزادی او منافی با جمع آوری دلایل اتهام باشد بدستور کمیته بازداشت
ممنوع الملاقات میگردد و بطور کلی کلیه کسانیکه در معرض اتهام قرار میگیرند
بدستور کمیته ممنوع الخروج از کشور میباشند.

ماده ۵- در صورتیکه کمیته تحقیق ملی دلایل و مستندات جمع آوری
شده را کافی برای توجه اتهام و تعقیب فرد مورداتهام بداند با صدور کیفرخواست
او را بدادگاه ملی تسلیم میکند و پرونده را با کلیه اسناد و مدارک بدادگاه مذکور
ارسال میدارد.

تبصره - دلایل اعم است از اسناد و مدارک کتبی و شهادت شهود و
گزارش مطلعین و یا قرائن عقلی و منطقی.

ماده ۶- دادستانی دادگاه ملی را یکی از قضات و وکلای شاغل یا بازنشسته دادگستری به انتخاب کمیته تحقیق ملی عهده دار خواهد بود .

ماده ۷- دادگاه ملی مرکب از پنج نفر خواهد بود که بترتیب آتی الذکر انتخاب میشوند :

الف - دو نفر از بین قضات و وکلای دادگستری اعم از شاغل و بازنشسته مشروط بر اینکه حداقل بیست و پنج سال سابقه قضاوت و وکالت داشته باشند بانتهاب اجلاسیه مرکب از هیئت مدیره کانون وکلا و محاکم انتظامی وکلای مرکز و دادستان انتظامی کانون وکلای مرکز و رؤسای کمیسیونهای کانون وکلای مرکز و رؤسای کانونهای فارس و آذربایجان و استادان حقوق جزا و آئین دادرسی جزائی در دانشکده های حقوق کشور .

ب - یک نفر بانتهاب اجلاسیه مرکب از شورای مرکزی دانشگاهیان ، و شورای معلمان سراسر کشور .

ج- یک نفر بانتهاب اتحادیه ملی اصناف بازار .

د- یک نفر بانتهاب اتحادیه های اصیل کارگری .

تبصره - کلیه شرایط ناظر باعضای کمیته تحقیق ملی در مورد اعضای دادگاه فوق العاده نیز لازم الرعایه است .

ماده ۸- دادگاه ملی در جلسه علنی دادگاه که همواره تماشاچیان و نمایندگان مطبوعات داخل و خارج در آن حق حضور خواهند داشت باتهامات متهمین رسیدگی میکند. مقررات قانون آئین دادرسی کیفری در مورد این محاکمات لازم الرعایه نیست ولی کلیه متهمین باید از حق دفاع بتمام و کمال برخوردار باشند .

ماده ۹- دادگاه ملی در مواردی که متهمین دستورکشتن یا شکنجه اشخاص را داده اند و در نتیجه این دستورات افرادی بقتل رسیده اند و هم چنین در مواردی که متهمین مباشرت در کشتار یا شکنجه منتهی بمرگ یا نقص عضو و یا نقص قوای روحی افراد شکنجه دیده که موجب سلب قدرت کار کردن از آنان شده داشته اند حکم از درجه اعدام و در سایر موارد به تناسب حکم به حبس ابد و حبسهای طویل المدته جنائی خواهد داد.

مصادره تمام یا قسمتی از اموال محکومین باقتضای مورد از مجازاتهای اصلی یا تبعی بوده و در حکم دادگاه منظور خواهد گردید. احکام دادگاه ملی قطعی است محکومین دادگاه ملی مادام العمر از اشتغال بخدمات دولتی و عمومی محروم خواهند بود.

ماده ۱۰- اعتبار اجرای این قانون تا زمانی است که کمیته تحقیق ملی تکلیف کلیه کسانی را که در معرض اتهام قرار داشته اند تعیین کند و خاتمه کار خود را رسماً اعلام دارد.

XXXXXXXX

این طرح به پیشگاه همه گروهها و دستجات مبارز با هر گرایش فکری و سیاسی تقدیم میگردد. بامید آنکه در مجامع و تظاهرات مطرح و اصول آن تصویب گردد و هر چه زودتر کار تدارک و تشکیل کمیته تحقیق ملی سامان پذیرد.

آبان ماه ۱۳۵۷